

بسمه تعالی



متن مصاحبه دکتر خسرو نادران طحان

استاد گروه مهندسی مکانیک دانشگاه شهید چمران اهواز

دی ماه ۱۳۹۴

۱- درباره سیر تاریخی آموزش عالی در دانشگاه از زمان حضور و مدیریت جنابعالی تا کنون توضیح بفرمائید.

برای بررسی این موضوع چهار دوره را در نظر می گیریم: دوره اول از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰- دوره دوم از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ - دوره سوم از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ و دوره چهارم از ۱۳۹۰ تا کنون.

بعد از انقلاب و به علت تعطیلی دانشگاه‌ها بیش از نصف اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها، آموزش عالی را ترک کردند (تعداد اعضاء هیئت علمی از حدود دوازده هزار نفر به حدود پنج هزار نفر رسید) و شرایط جنگی خوزستان باعث شد که صدمه بیشتری به دانشگاه جندی شاپور آن زمان وارد شود. اگرچه گروه‌ها و بخش‌های پزشکی به خاطر خدمات رسانی به جبهه‌ها همچنان فعال بودند ولی امر آموزش در سایر دانشکده‌ها تقریباً تعطیل بود. فعالیت‌ها برای بازگشایی از سال ۱۳۶۰ و در زمان سرپرستی مرحوم دکتر محمد صادق نجفی (در آن زمان مهندس نجفی) با تشکیل مدیریت جهاد دانشگاهی آغاز شد و تا سال ۱۳۶۳ تقریباً تمامی گروه‌های آموزشی که تعدادشان حدوداً ۸۰ گروه بود بازگشایی شدند. کمبود هیئت علمی در بعضی از دانشکده‌ها مثل دامپزشکی و مهندسی به حدی بود که ناچار تعدادی از دانشجویان سال‌های آخر به دانشگاه‌های شیراز (دانشجویان دامپزشکی) و امیرکبیر (دانشجویان مهندسی مکانیک) منتقل شدند.

در اینجا جا دارد از زحمات شبانه روزی مرحوم دکتر نجفی که در سال‌های بازگشایی تلاش می کردند تا وقفه‌ای در ارائه خدمات دانشگاه، مخصوصاً برای بخش‌های پشتیبانی کننده جبهه ایجاد نشود، یاد کنم.

متأسفانه در شماره دوم مجله یادگار که رؤسای قبلی دانشگاه را مختصراً معرفی کرده است، دوران سرپرستی ایشان را مقارن تعطیلی دانشگاه نوشته اند در صورتی که دانشگاه قبل از مسئولیت ایشان تعطیل شده بود و ایشان همزمان با تشکیل مدیریت جهاد دانشگاهی برای فعال نگهداشتن بخش های ضروری و فراهم کردن مقدمات بازگشایی به سرپرستی دانشگاه منصوب شده بودند و قبل از پایان دوره سرپرستی، علیرغم این که از جراحات ناشی از اصابت ترکش خمپاره رنج می کشیدند ولی با دلسوزی و تلاش خستگی ناپذیر تمامی مسائل دانشگاه را پیگیری می کردند تا نه تنها تمام رشته ها بازگشایی و فعال شدند بلکه برگزاری اولین دوره کنکور سراسری بعد بازگشایی در سال ۱۳۶۲ هم در زمان سرپرستی ایشان صورت گرفت و برای تشویق نیروهای کارآمد به ماندن در دانشگاه مساله واگذاری زمین برای احداث مسکن را برای آن ها پیگیری و به نتیجه رساند. سرپرستی ایشان در زمانی بسیار سخت و پر تنش بود زیرا در حالی که گاه و بیگاه هواپیماهای دشمن برفراز دانشگاه پرواز می کردند (چون تعدادی از یگان های رزمندگان و تجهیزات آن ها در دانشگاه مستقر بودند) باید کلاس ها نیز اداره می شدند. شرایط از این جهت پر تنش بود که افرادی از همکاران و دانشجویان به شدت اعتراض داشتند که چه ضرورتی دارد در این شرایط جنگی دانشگاه شهید چمران فعال باشد و بهتر است برای حفظ جان دانشجویان و دانشگاهیان، این دانشگاه همچنان تعطیل بماند. ولی چون از یک طرف خواسته دشمن این بود که خوزستان را تحت اختیار خود نشان دهد (درجه حرارت شهر های استان را از رادیو بغداد اعلام می کرد) و از طرف دیگر مصالح کشور از نظر مسئولین نظام ایجاب می کرد تا تمامی فعالیت ها از جمله فعالیت دانشگاه برقرار باشند، بازگشایی دانشگاه یک ضرورت اجتناب ناپذیر ارزیابی می شد. چون اینجانب در آن زمان معاون آموزشی دانشگاه بودم و در جریان جزئیات بسیاری از فعالیت های مرحوم دکتر محمد صادق نجفی بوده ام، یاد و خاطره این مرد بزرگ و فداکار را گرامی می دارم و امیدوارم مسئولین دانشگاه شهید چمران با تبعیت از دستور خداوند متعال که فرمود "السابقون و السابقون اولئک المقربون"، به نحو شایسته ای از خدمات ایشان تجلیل نمایند. روحش شاد و خدایش رحمت کند.

بعد از بازگشایی کامل دانشگاه، تحولات چشمگیری اتفاق افتاد که به بعضی از آن ها اشاره می کنم. افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو برای جبران سه سال توقف پذیرش، ارتقاء سطح مدیریت دانشگاه و واگذاری پست های اصلی به کسانی که مدارج تحصیلی بالاتری داشتند و تفکیک دانشگاه پزشکی جندی شاپور از دانشگاه شهید چمران. هر کدام از این تحولات مشکلات و چالش های خود را داشت. افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو برای پاسخگویی به نیاز جامعه، فشار مضاعفی را مخصوصاً به دانشگاه شهید چمران اعمال می کرد چون علاوه بر این که نیروهای قابل ملاحظه ای جذب نمی شد بلکه برای بهبود شاخص هیئت علمی به تعدادی از مربیان اجازه داده شد که برای ادامه تحصیل اعزام شوند و در نتیجه امور آموزشی که تقریباً تمام فعالیت های دانشگاه را تشکیل می داد با مشکلات بیشتری مواجهه می شد. کمبود فضاهای آموزشی و حذف اعتبارات عمرانی به این بهانه که در مناطق جنگی ساخت و ساز توجیهی ندارد، اوضاع را بیش از پیش مشکل می کرد. برای ارتقاء سطح مدیریت هم لازم بود از نیروهای معدودی که دارای مدرک

دکتر هستند در پست های مدیریتی استفاده شود که در مواردی منجر به بکارگیری افرادی شد که نه تنها در پست های مدیریتی کارایی لازم را نداشتند بلکه بعضاً مشکل آفرین هم شدند. اگرچه در این مرحله فعالیت های جهاد دانشگاهی کمک مؤثری به مدیران می کرد ولی اعمال سلیق بعضی دانشجویان حاضر در تشکیلات مدیریت و نقطه نظر های فردی آن ها در مواردی مشکل آفرین شده بود مخصوصاً که دیگر گروه های فعال در دانشگاه نیز مدعی می شدند. مسأله تفکیک دو دانشگاه هم اگرچه در ابتدا کارساز به نظر نمی رسید ولی بعداً معلوم شد که یکی از راه های صحیح توسعه آموزش عالی در کشور مخصوصاً برای گروه پزشکی و رشته های وابسته به آن بود زیرا از توانایی ها و استعداد های متخصصین دانشگاه پزشکی به نحو بهتری برای اداره امور آموزش عالی استفاده شد. هر چند که بحث تقسیم امکانات و تلاش برای سهم خواهی هرچه بیشتر از امکانات موجود، باعث اختلاف ها و کشمکش و ائتلاف انرژی مدیران هر دو دانشگاه شد که تا زمان مسؤلیت اینجانب نیز ادامه داشت ولی خوشبختانه با توافقات و تفاهم هایی که به عمل آمد این مشکلات در سال ۱۳۷۱ عمدتاً فیصله پیدا کرد اگرچه موضوع تفکیک دو دانشگاه در سال هایی بود که اینجانب در مأموریت تحصیلی خارج از کشور بودم ولی مشاجرات همچنان ادامه داشت به طوری که در جلسات دانشجویی دانشجویان پزشکی، برای اعتراض به مدیریت دانشگاه شهید چمران برنامه ریزی می شد!

علیرغم مشکلاتی که به پاره ای از آن ها اشاره شد کارهای مهم و زیربنایی نیز انجام شد. احداث ۱۱ بلوک خوابگاه (خوابگاه ۱۴ بلوکی دختران فعلی)، احداث دانشکده دامپزشکی، احداث سالن غذاخوری دانشکده علوم، احداث تعدادی منازل جدید در کوی استادان، احداث دبیرستان و راهنمایی غیر انتفاعی دانشگاه، احداث دانشکده اقتصاد، تکمیل دانشکده مهندسی و کارگاه های آن، شروع احداث دانشکده های علوم تربیتی و الهیات در زمان ریاست آقای دکتر عبدالرسول کاظم پور و هیئت رئیسه همراه او تحقق پیدا کرد و این فعالیت ها در زمانی بود که همچنان بخش هایی از دانشگاه مثل دانشکده تربیت بدنی، ساختمان کتابخانه مرکزی و انبار های شهید تینوشی در اختیار رزمندگان بود و به لحاظ امنیتی حتی از ورود مسؤلین به این بخش ها ممانعت می شد. ویژگی مهم این دوره از نظر اینجانب اعزام تعداد قابل ملاحظه ای از کادر آموزشی برای اخذ مدرک دکتر به دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه های خارج از کشور و احداث بعضی زیر ساخت های لازم برای توسعه بود به همین دلیل دهه اول پس از انقلاب را در دانشگاه شهید چمران می توان دوره **تنازع بقا و ایجاد زیر ساخت های توسعه نامید.**

سال ۱۳۶۹ که تصدی ریاست دانشگاه به اینجانب واگذار شد مصادف با سال های سازندگی کشور بعد از جنگ بود و وزارت متبوع به تبعیت از برنامه های کلان کشور، توسعه کمی و کیفی و فضا های کالبدی دانشگاه ها را سرلوحه برنامه های خودش قرار داد. با مساعدت و بذل توجه مخصوص وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی وقت جناب آقای دکتر مصطفی معین نسبت به دانشگاه شهید چمران اهواز و تلاش های پیگیر مدیریت برای جذب اعتبارات عمرانی، پروژه های نیمه تمام تکمیل و به بهره برداری رسیدند. فعالیت شاخه جنوبی در خرمشهر مجدداً مورد پذیرش و تأیید وزارت و سازمان برنامه و بودجه وقت قرار گرفت و برای آن،

اسناد اختصاص صد هکتار زمین تنظیم شد. شاخه شمالی دانشگاه در دزفول فعال تر و برای آن اسناد اختصاص ۴۰۰ هکتار زمین تنظیم شد. پیگیری های لازم برای تأسیس دانشگاه تربیت معلم در شوشتر و مطالعات مربوط به ایجاد دانشگاه صنعتی انجام شد و برای نخستین بار برنامه دراز مدت دانشگاه تدوین گردید. چون سطح علمی مدیران دانشگاه و دانشکده ها و گروه ها ارتقا یافته بود و تعدادی از اعضای هیئت علمی مدرک دکترای تخصصی خود را اخذ کرده و برای خدمت بازگشته بودند برنامه ریزی برای ایجاد دوره های دکترای تخصصی و افزایش دوره های ارشد در دستور کار قرار گرفت. اگرچه در بعضی گروه ها دوره های ارشد دایر شده بود ولی تا آن زمان هنوز دوره دکترای تخصصی راه اندازی نشده بود. در بازدید استاندار وقت استان جناب آقای مهندس تولایی از گروه شیمی، خانم دکتر پور رضا (اولین مدیر گروه خانم در دانشگاه بعد از انقلاب) به ایشان اطلاع داد که اگر فقط ۱۰ میلیون تومان در اختیار ایشان قرار گیرد دوره دکترای شیمی را راه اندازی خواهند کرد. خوشبختانه آقای استاندار این مبلغ را تعهد و پرداخت کرد و معاونت آموزشی دانشگاه جناب آقای دکتر قاسم حیدری نژاد هم با پیگیری های مستمر توانستند مجوز شروع فعالیت این دوره را بگیرند. تقریباً همزمان برای رشته ریاضی هم مجوز مشروط دوره دکترای اخذ شد به شرط این که هر دو سال فقط یک دانشجوی دکترا پذیرش شود. مدیریت دانشگاه برای توسعه هرچه بیشتر و سریعتر تحصیلات تکمیلی، معاونت تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه ایجاد کرد که دکتر مرتضی زرگر شوشتری اولین معاون تحصیلات تکمیلی دانشگاه بودند که سابقه و تجربه معاونت آموزشی دانشگاه را در دوره مدیریت قبلی به عهده داشتند. با ارتقاء تعدادی از اعضای هیئت علمی به مراتب بالاتر ظرفیت پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی و همچنین افزایش تعداد دوره ها به سرعت رو به افزایش گذاشت و این روند در طول دهه دوم کم و بیش حفظ شد. اگرچه در گزارشی تحلیلی که روند رشد ظرفیت پذیرش دانشجویان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته و در سال ۱۳۹۰ تنظیم و به ریاست وقت دانشگاه جناب آقای دکتر مروتی ارائه دادم نشان داده شد که فقط بخشی از ظرفیت موجود برای دوره های ارشد مورد بهره برداری قرار گرفته است.

در ابتدای دوره دوم، فعالیت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان افزایش چشمگیری داشت و این روند باعث شد تا عناصری با سوء استفاده از فرصت های ایجاد شده، اختلال هایی در فعالیت مدیریت دانشگاه ایجاد کنند که آثار آن تا پایان دهه دوم پایدار ماند و هزینه های مادی و معنوی زیادی به دانشگاه تحمیل کرد. این دوره را می توان دوره فرصت های از دست رفته برای آموزش عالی استان نامید.

دهه سوم با مستقل کردن واحدهای اقماری دانشگاه در دزفول، رامین، بهبهان و خرمشهر توسط مدیریت دانشگاه مصادف است که ظرفیت پذیرش دانشجویان دوره کارشناسی را به میزان چشمگیری افزایش داد. علاوه بر افزایش تعداد دوره های تحصیلات تکمیلی و ظرفیت آن ها، ارتقاء اعضای هیئت علمی به مراتب بالاتر و استخدام تعداد قابل توجهی نیروهای جوان در واحدهای اقماری، نوید آموزش عالی بالنده ای را در استان داد. برگزاری بزرگداشت پنجاه سال فعالیت دانشگاه در اوایل این دهه افق های تازه ای را پیش چشم

علاقمندان به آموزش عالی در استان قرار داد و توجه ها را به این نکته مهم جلب کرد که پس از هر دوره فعالیت لازم است به ارزیابی دستاورد ها همت گماشت. اگرچه با ایجاد دوره های پولی و وارد کردن مباحث در آمد زایی، ناچار کیفیت دانشجویان و تحصیل آن ها افت نگران کننده ای را به دنبال داشت. تأخیر در زمان فراغت از تحصیلی و انباشت دانشجویان دوره های مختلف و ورود دانشجویانی که علاقه کمتری به تحصیل در دوره های ارشد و دکتری داشتند هزینه های زیادی را به دانشگاه و آموزش عالی تحمیل کرد که با جدیت و برنامه ریزی های جامع تر امکان داشت از پی آمدهای منفی این وضعیت کاست. کمیت پژوهش و درآمد زایی در این دهه افزایش چشمگیری داشت و مدیران دانشگاه و اعضاء هیئت علمی به گواهی آمارهای اعلام شده توسط مسئولین، موفقیت های قابل تحسینی را به دست آوردند که تا کنون ادامه دارند. بنابر این دوره سوم را علیرغم بعضی کاستی ها می توان دوره موفقیت های دانشگاه نامید.

اکنون که مراسم بزرگداشت شصتمین سال تأسیس دانشگاه را جشن می گیریم باید مدیریت دانشگاه به این سؤال اساسی پاسخ دهد که برای دهه چهارم بعد از انقلاب در پی چه دستاورد هایی هستند که این دوره را از دوره های قبلی متمایز سازد؟ پیشنهاد می کنم دهه چهارم، مدیریت دانشگاه با تفکیک دوره تحصیلات تکمیلی از دوره های کارشناسی، ایجاد پژوهشگاه برای مدیریت یکپارچه فعالیت کلیه مراکز مطالعاتی و پژوهشی دانشگاه، ایجاد مؤسسه همکاری های بین المللی برای توسعه فعالیت های بین المللی و ایجاد مؤسسه اقتصادی و تجاری برای سازماندهی و مدیریت فعالیت های اقتصادی و در آمد زایی منطبق بر قوانین تجارت، دوره چهارم را به دوره پاسخگویی به نیاز جامعه و مشارکت دانشگاه در پیشرفت کشور تبدیل کنند.

۲- از دیدگاه شما حوزه های موفق و بخش های مغفول (اعم از آموزشی، تحصیلات تکمیلی، فرهنگی و اجتماعی، اجرای پروژه ها و طرح های تحقیقاتی صنعتی، ظرفیت سازی برای جذب دانشجو و ...) در عمر ۶۰ ساله دانشگاه چیست؟

حوزه های موفق دانشگاه عمدتاً آموزش کارشناسی و تحصیلات تکمیلی است اگرچه همچنان ظرفیت های خالی وجود دارد که با برنامه ریزی های پایدار می توانست موفق تر از این هم باشد. اگرچه این موفقیت ها تحت فشارها و رویکرد های کلی وزارت متبوع حاصل شده است و کمتر ناشی از برنامه ریزی های قبلی در دانشگاه است. در زمینه های فرهنگی و اجتماعی ظرفیت های فراوانی وجود دارد که متأسفانه مورد بهره برداری قرار نگرفته است. اجرای پروژه ها و طرح های تحقیقاتی صنعتی در سال های اخیر جزء مأموریت های دانشگاه قرار گرفته است و در سالهای گذشته اصولاً جزء برنامه های آموزش عالی و یا دانشگاه ها نبوده است که انتظار موفقیت های چشمگیر در این حوزه را داشته باشیم. در زمینه پژوهشی باید این نکته را مورد توجه قرار داد که پژوهش و پژوهشگری یک حرفه است و مأموریت دانشگاه مثل مأموریت برای سایر حرفه های مورد نیاز جامعه، تربیت نیروی انسانی در این زمینه است. در دهه اول پس از انقلاب توجهی به انجام

تحقیقات وجود نداشت و تقریباً کار در این حوزه فراموش شده بود. در دهه دوم هم تحقیقات عمدتاً جنبه آموزشی داشت و برای آموزش پژوهش به دانشجویان تحصیلات تکمیلی صورت می گرفت. در دهه سوم به علت اعلام اهداف و مأموریت های جدید برای دانشگاه، تلاش هایی صورت گرفت تا اجراء طرح های تحقیقات صنعتی شکل قانونمندی بگیرد ولی همانطور که گفته شد پژوهش و پژوهشگری سازوکار خود را می طلبد و با سازوکار های موجود بعید می دانم بتوان کارهای قابل توجهی را انجام داد. در مورد ظرفیت سازی برای جذب دانشجو، اقداماتی که در دهه سوم صورت گرفت و همچنین جدا شدن دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور از دانشگاه شهید چمران و همچنین مستقل شدن واحد های اقماری، به این افزایش ظرفیت کمک شایانی کرد. در حال حاضر به علت محدودیت فضاهای کالبدی تقریباً امکان افزایش ظرفیت به صورت چشمگیر در دانشگاه شهید چمران فراهم نیست هرچند در موارد معدودی کمتر از ظرفیت های اسمی بهره برداری می شود مخصوصاً فعالیت های سازمان یافته برای جذب دانشجویان خارجی تقریباً ناچیز و فراموش شده است. از حوزه های مهمی که در چهار دوره ای که نام بردم، مغفول مانده است حوزه انتخاب مدیران دانشگاه در تمام سطوح است. در اینجا لازم می دانم از تلاش های تمامی مدیران گذشته و حال دانشگاه، در تمامی سطوح صمیمانه تشکر و قدردانی کنم که در شرایط سخت و ناپایدار شبانه روز تلاش می کنند تا وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند. بدون شک اجر این عزیزان نزد خداوند متعال محفوظ است و اگر انتقادی از نحوه انتخاب مدیران می شود نه بخاطر تخطئه کردن تلاش های این عزیزان بلکه برای توجه دادن به ضرورت ایجاد سازوکاری است که تلاش هر یک از مدیران گامی برای رسیدن به اهداف دانشگاه باشد. در دانشگاه مدیران اغلب برای جایگزینی مدیر قبلی انتخاب می شوند و توجه نمی شود که مدیر قبلی چه نقاط قوت و ضعفی داشته و یا چه برنامه هایی را برای دستیابی به اهداف مؤسسه دنبال می کرده و آیا مدیر جدید نسبت به مشکلات و امکانات حوزه مسئولیتش تا چه حد آشنایی دارد. این که آیا فرد مورد نظر آموزشی برای مدیریت دیده یا نه مورد توجه قرار نمی گیرد. در بسیاری از موارد تعویض مدیران شبه کودتایی و یا به خاطر انتقادی است که از مدیر بالا دست خود می کند به همین دلیل مدیران جدید اغلب ارتباطشان با مدیر قبلی قطع و در بسیاری از موارد در تعارض قرار می گیرند. در نتیجه ادامه شیوه حدس و خطا در مدیریت دانشگاه برای این مدت طولانی ۳۴ سال به وضوح مشاهده می شود. متأسفانه در مواردی این شیوه انتخاب مدیران آثار تخریبی ماندگاری داشته است (نظیر دهه دوم).

برای جبران این نقیصه و احتمالاً فراهم کردن فضایی که در آن مدیران دانشگاه بتوانند از تجارب همکاران پیشین خود بهره بیشتری ببرند اخیراً جمعی از اعضاء هیئت رئیسه های گذشته دانشگاه، کانون هیئت رئیسه ادوار دانشگاه را تشکیل داده اند که متشکل از اعضاء هیئت رئیسه های دانشگاه در طول ۳۴ سال گذشته است تا شاید برای تقویت این حوزه از فعالیت های اساسی و فراموش شده دانشگاه چاره اندیشی کرده باشند.

۳- درباره درخشان ترین دوره دانشگاه و علل و عوامل آن توضیح بفرمائید.

بدون مشخص کردن شاخص ها اظهار نظر در مورد درخشان ترین دوره دانشگاه صحیح نیست. در دوره هایی ممکن است جذب اعتبارات و یا افزایش تعداد دانشجویان و یا گسترش تحصیلات تکمیلی و یا حضور دانشگاه در مجامع بین المللی به خاطر چاپ مقالات و یا وجود اعضاء هیئت علمی با مراتب بالاتر و یا تعداد پژوهش های تقاضا محور و یا ... جزء اهداف دراز مدت مدیران دانشگاه باشد. دستیابی به هر یک از این اهداف نتیجه تلاش هایی است که سال ها بلکه دهه های قبل برای آن ها برنامه ریزی و تلاش شده است بنا براین مشخص کردن درخشان ترین دوره دانشگاه بدون در نظر گرفتن سوابق امر، کاری اشتباه است و این کار هم نیاز به آمار و اطلاعات و اسناد منتشر شده دارد.

۴- اثرات مدیریت کلان آموزش عالی بر فراز و فرود های دانشگاه در این سال ها چگونه بوده است؟

دانشگاه شهید چمران یکی از واحد های تابعه وزارت متبوع است که برای دستیابی به اهداف کلان ملی برنامه ریزی و بر اجراء آن ها نظارت می کند. بدیهی است که تصمیم های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر کم و کیف فعالیت های دانشگاه اثر گذار باشد. در سال هایی که سیاست های وزارت علوم انقباضی بوده است دانشگاه هم از این سیاست تأثیر پذیرفته ولی در مواردی که این سیاست ها انبساطی بوده اند متأسفانه اجرای آن ها در دانشگاه با تأخیر هایی که گاهی غیر قابل توجیه بوده، همراه شده است. برای اجتناب از این شرایط نا مطلوب لازم است دانشگاه شهید چمران، همواره نمایندگان فعال دائمی در شوراها و کمیته های برنامه ریزی و اجرایی وزارت متبوع داشته باشد تا سریع تر در جریان تصمیم ها قرار گیرد. نمونه ای از این عقب افتادن ها، قرار داد هایی است که تحت نظارت وزارت متبوع با وزارت نفت برای انجام پژوهش های بالا دستی و پایین دستی نفت منعقد شده است که در هیچیک از این قرار داد های کلان و مهم که برای توسعه پژوهش در دانشگاه ضروری است به دانشگاه شهید چمران نقش محوری واگذار نشد در حالی که از دانشگاه های دیگر استحقاق بیشتری داشت .

۵- اثر بخشی دانشگاه بر منطقه و کشور در طول ۶ دهه فعالیت به چه صورت بوده است؟

همانطور که وجود دانشگاه در یک کشور آن را از زمره کشورهای عقب افتاده خارج و جزء کشورهای در حال توسعه قرار می دهد، تأثیر دانشگاه شهید چمران بر منطقه هم باعث شده تا شرایط خوزستان و منطقه از وضعیت عقب افتادگی به وضعیت در حال توسعه تغییر پیدا کند. مخصوصاً آثار دانشگاه در زمینه های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی چشمگیر و غیر قابل انکار است. با ایجاد واحد های دانشگاهی در شهر های مستعد استان که با پشتیبانی علمی دانشگاه شهید چمران صورت گرفته است امید می رود که این شرایط توسعه و پیشرفت در زمینه هایی که ذکر شد بازهم ارتقاء یابد. بکارگیری مدیران با انگیزه و پاسخگو و دارای برنامه در این دانشگاه ها زمان دستیابی به شرایط مطلوب را کاهش خواهد داد. برون داد دانشگاه شهید چمران در گذشته به صورت حضور فعال فارغ التحصیلان آن در تمامی عرصه های حیاتی

کشور قابل مشاهده است به همین دلیل با توجه به استعداد ها و ظرفیت های ایجاد شده لازم است تلاش شود تا وزارت متبوع نقش پر رنگ تری برای این دانشگاه در حوزه های جدید علمی و فناوری که در سطح کشور در حال گسترش است، در نظر بگیرد.

۶- درباره راهکارها و راهبردهای تعالی دانشگاه و ارتقاء جایگاه واقعی آن در جامعه توضیح بفرمائید.

استقبال هر ساله صدها هزار داوطلب برای ورود به دانشگاه و اشتغال به تحصیل بیش از سه میلیون دانشجوی در سطوح و رشته های مختلف که بخشی از آن ها نیز به دانشگاه شهید چمران اهواز تعلق دارند نشان می دهد که جایگاه این نهاد مهم علمی- اجتماعی و فرهنگی در جامعه کاملاً شناخته شده و مورد توجه عموم مردم است. آموزش علوم نوین به جوانان کشور اعتماد به نفس آن ها را بالا برده و آن ها را برای ساختن یک زندگی توأم با دانایی و آگاهی آماده می کند و استقبال خانواده ها هم از حضور فرزندان شان در دانشگاه مؤید این نظر است. در تمام دانشگاه های کشور بخش اول مأموریت که آموزش علوم و فنون و دانش است و نتیجه آن آماده کردن جوانان برای فعالیت های تخصصی است تا حد قابل قبولی انجام می شود. بخش دیگر مأموریت دانشگاه ها که باعث ارتقاء جایگاه آن ها در جامعه می شود ولی به نظر اینجانب به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است جنبه های تربیتی و آموزش مهارت های زندگی است. برای انجام این بخش از وظایف دانشگاه تا کنون برنامه ریزی های مؤثری ملاحظه نکرده ام. دلیل آن هم متأسفانه این باور نادرست است که اعضای هیئت علمی باید درس خود را ارائه دهند و امور تربیتی به وسیله افراد و یا تشکیلات دیگر باید انجام شود که نه آن تشکیلات و نه آن افراد تا کنون حضور مؤثری در دانشگاه نداشته اند.

۷- ضعف ها و چالش های کنونی دانشگاه، علل و راهکارهای آن را چه می دانید؟

مایلم نیستم از کلمه ضعف ها برای این بخش از مصاحبه استفاده کنم چون به کاربردن این کلمه ممکن است انتقاد از عملکرد مدیران دانشگاه را تداعی کند در حالی که همه آگاهیم در هر دوره مدیریت بیش از صد نفر از همکاران ما علیرغم کمبود ها و توقعات فراوان، شبانه روز و با خلوص نیت تلاش می کنند تا اهداف متعالی دانشگاه تحقق پیدا کند لذا به کار بردن این کلمه را که ممکن است بعضی کمبود ها را متوجه عملکرد آن ها کند بی انصافی می دانم. بهتر است درباره کمبود ها، نواقص و چالش های کنونی بحث کوتاهی داشته باشیم. منشأ کمبود های کنونی را حذف اعتبارات در دهه اول پس از انقلاب از طرف سازمان برنامه و بودجه وقت می دانم که هزینه کردن اعتبارات را برای ساخت و ساز در مناطق جنگی، توجیه ناپذیر می دانست. وقتی در سال ۱۳۶۹ مسؤلیت اداره دانشگاه به اینجانب و همکارانم رسید با بررسی کارشناسی و ارائه مستندات کافی به مسؤلین وزارت متبوع و سازمان بر نامه و بودجه نشان دادیم در حالی که برای دانشگاه های همتراز دانشگاه شهید چمران (دانشگاه های شیراز، اصفهان، کرمان، مشهد و تبریز) رشد سالیانه اعتبارات در نظر گرفته اند برای دانشگاه شهید چمران این رشد بسیار ناچیز و عملاً در حد صفر در

نظر گرفته شده است. تلاش فراوانی شد تا پس از سه سال وزیر محترم به معاون عمرانی خود دستور داد که اعتبار ویژه ای برای جبران عقب ماندگی های هشت سال دفاع مقدس در نظر بگیرد. متأسفانه به علت مداخلات بعضی افراد و جریان ها در امور دانشگاه و خاتمه مسؤلیت اینجانب، پیگیری ها دنبال نشد و فرصت اصلاح اعتبارات ملی دانشگاه از دست رفت که از آن به نام دوره از دست رفتن فرصت ها یاد کردم. متأسفانه در تمام دوره بعد از انقلاب کم و بیش شاهد این گونه مداخلات و فشل شدن مدیریت دانشگاه برای تأمین و جذب اعتبارات بوده ایم. نتیجه این تنازعات وصول نشدن مطالبات دانشگاه از اعتبارات ملی برای توسعه فضاهای کالبدی و نگهداری و نوسازی بعضی از تأسیسات است. به عنوان مثال بیش از ۳۰ سال است که اعتبار قابل توجهی برای انجام تعمیرات و بازسازی کارگاه های مهندسی یا اصلاح شبکه جمع آوری آب های سطحی کوی استادان و احداث منازل سازمانی جدید و هزینه نشده است. راهکار رفع این کمبود را در این می بینم که مسؤلین دانشگاه بدون احساس خستگی و با بسیج همه امکانات، جذب اعتبارات ملی و استانی را پیگیری کنند. بدون شک درآمد های دانشگاه کفاف جبران این عقب ماندگی ها را نمی کند. نقص عمده ای که بعد از انقلاب در دانشگاه وجود داشته است و بسیاری از کمبود ها ناشی از این نقیصه است فقدان یک سازوکار منطقی، روشن و کارساز برای انتخاب مدیران ارشد دانشگاه است. اگرچه هر از چند گاهی روش هایی برای این امر مهم در پیش گرفته می شود ولی معلوم نشده است که این روش ها تا چه حد کارآیی دارند. به نظر من اگر بتوان برای این امر مهم، سازوکار مناسب و کار آمدی را پیدا و به اجراء گذاشت تحول چشمگیری در تمامی فعالیت ها به وجود خواهد آمد.

اگر چه بحث به درازا کشید ولی ذکر این نکته را ضروری می دانم که مدیران محترم دانشگاه در تمامی سطوح باید شرایطی را فراهم کنند و همکاران را تشویق کنند تا در انجام بعضی از کارها به صورت داوطلبانه مشارکت کنند. این نوع فعالیت های داوطلبانه فرصتی را فراهم می کند تا از ابتکارات و توانایی های اشخاص برای پیشبرد امور و ارتقاء کیفیت خدمات استفاده و تجارب آن ها برای کادرسازی در امور مدیریتی افزایش یابد.